

بچه‌های مسی

۳۷

ماهنامه کودک و نوجوان
ماه رمضان (اردیبهشت ۱۳۹۸)



فهرست مطالب

۸ سن تکلیف 	۴ تداوم نهضت 	۳ مقدمه 
۲۵ درخت با برکت 	۲۲ نوح علیه السلام 	۱۲ طنز 

عنوان: بچه‌های مسجد

پدید آور: واحد آموزش و پژوهش امور مساجد خراسان

مشخصات ظاهری: ۲۸ صفحه مصور رنگی

یادداشت: گروه سنی (ج)

موضوع: دین، کودک و زندگی

سر دبیر: محمد محمدی

صفحه آرا: مقداد قربانی

تصویر گر: فهیمه حقیقی

تلفن: ۰۵۱۳۲۰۱۲۰۴۵

تیراژ: ۱۵۰۰۰ جلد



بسم الله الرحمن الرحيم
سلام به همه شما فرزندان عزیزم؛

حلول ماه مبارک رمضان را به همه شما تبریک عرض می کنم.
ماه رمضان، بهترین ماه خداست. در این ماه همه شیطان ها به غل و
زنجیر کشیده می شوند و هر کسی در این ماه یک کار خوب انجام بده،
خداوند مهربان پاداش ده ها برابر اون کار را به او اهداء می کند. پس
بیاید در این ماه پر خیر و برکت تا می توانیم کارهای خوب انجام بدهیم.
با این شعر زیبا، شما را به مطالعه نشریه خودتون دعوت می کنیم.

نوبت مهمونی پاک خدا شد

پراز عبادت و راز و نیازه

رو لبای خدای مهربونه

ماه مهربونی و برکت و رحمت

رمضان آمد و مهمونی به پا شد

سفره ی خدا پراز عطر نمازه

همه دستاشون به سوی آسمونه

رمضان ماه دعا ماه عبادت



در ضمن حتما
پیشنهادهات و انتقادات
و دلنوشته های خودتون
را برای ما پیامک کنید
تا به نام خودتون در
نشریه چاپ بشه.

سامانه پیامکی:

۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۳

پیام رسان سروش:

@masjed_k_h

پیامک های شما

خیلی مجله خوبی بود
لطفا جُک ها، شعر و
قصه هایش را بیشتر
کنید، ممنون.

نادیا داورزنی، مسجد
قبا شهرستان داورزن

مادرم می گوید دخترم چادر نمازت را که سرت
می کنی مثل فرشته ها می شوی. من می پرسم
مگر فرشته ها چطوری اند؟ مادر با لبخند
می گوید: فرشته ها زیبا، پاک و معصوم اند. آنها
همیشه در حال عبادت خدا هستند. همه فرشته ها
را دوست دارند. من هم می خندم و از حرف های
مادرم خوشحال می شوم و هر شب با او به مسجد
محل می روم، هر چند هنوز به سن تکلیف
نرسیده ام.

ارسالی از شمس صفری، شهرستان باخرز

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت شما
دوستان عزیز و تمامی دست اندرکاران نشریه بچه های
مسجد. اینجانب محمد طاها زارعی ۹ ساله از شما تشکر
می کنم به خاطر مطالب و مفاهیمی که در مجله به کار
میبرین. من اهل شهرستان پلدختر هستم.

سامانه پیامکی:
۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳
پیام رسان سروش:
@masjed_k_h

سلام وخسته نباشید به تمامی اعضای تهیه کننده
مجله بچه های مسجد لطفا در مورد امامان و انبیاء
خدا بیشتر توضیح بدید،

عرفان داورزنی از شهرستان داورزن و مسجد امام
رضا ع

سلام. لطفا داستان های جالب تری را در مجله
چاپ کنید.

زهرا مرادی از بیرجند

سلام مطالب
قشنگی داره
نشریه.

دانیال آزموده،
ده ساله از
سرخس

باسلام خدمت تهیه کنندگان، لطفا دانستنی ها، جوک ها و
داستان های درباره امامان را بیشتر کنید. ممنون **(بی نام)**

سلام با عرض خسته نباشید. لطفا مطالبی از امام زمان ع بگذارید.
محمد امین داورزنی از مسجد قبا داورزن

سلام لطفا اگه میشه بازی های ذهنی و فکری در کتاب چاپ کنین.
ارسالی از طرف آقای وحدانی

سلام گرم خدمت شما. لطفا تصاویر نقاشی بیشتری اضافه کنید.
علی اصغر قربانزاده از مسجد ابوالفضلی شهرستان درگز

پسر بد اخلاق

پسر بچه ی کوچک و بداخلاقی بود که همیشه خواهر خود را اذیت می کرد. اما بعد از این کار پشیمان شده و عذرخواهی می کرد. یک روز از روزها که پسرک خواهرش را اذیت کرد و اشک او را در آورد خواهرش با او قهر کرد. پسر بداخلاق از اینکه خواهرش دیگر با او صحبت نمی کرد ناراحت بود.

پدربزرگ مهربان که ماجرا را فهمید تکه ای چوب و یک عدد میخ و چکش آورد و به پسرک گفت: این میخ را به این تخته بکوب. پسرک هم به راحتی میخ را با چکش به تخته کوبید.

پدربزرگ گفت: حالا میخ را در بیاور. پسرک خیلی تلاش کرد و به سختی موفق شد میخ را از دیوار خارج کند اما خیلی خسته شده بود.

پسرک در حال عرق ریختن بود که پدر بزرگ گفت: میخ را می توان به راحتی به تخته کوبید اما در آوردنش خیلی سخت تر است. حالا به تخته نگاه کن. جای آن میخ همیشه بر روی تخته می ماند.

ناراحت کردن دیگران هم همینطور راحت است اما از دلشان به راحتی نمی توان در آورد.





نگین پرسید: آیا در کره ماه کسی زندگی می کند؟ پدر: بله
مگر نمی بینی هر شب چراغ هایش روشن است.
ارسالی از کاظم خوش قدم، ۵ ساله از گلبهار

یک روز خلبانی با همکار تازه کارش می روند سفر. همکار به خلبان
می گوید: خلبان، نگاه کن از دور آدم ها مورچه دیده می شوند.
خلبان می گوید: اما دوست عزیزم، ما هنوز که راه نیفتادیم. این ها
واقعا مورچه است.
ارسالی از بی نام

معلم: آخرین دندانی که در می آید چه دندانی است؟
شاگرد: دندان مصنوعی است

لطیفه های خود را برای ما پیامک کنید:

سامانه پیامکی:

۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳

سن تڪليف



ماه رمضان آمده بود و همه جا حال و هوای روزه و عبادت داشت. سجاد همیشه به مادرش می گفت وقتی با بابا برای سحری خوردن بیدار شدید منو هم بیدار کنید چون منم می خوام روزه بگیرم. اما مامان می گفت: عزیزم تو هنوز به سن تکلیف نرسیدی و روزه بهت واجب نشده. ولی سجاد می گفت: منم دلم می خواد مثل شما روزه بگیرم.

مامان سجاد گفت: باشه عزیزم، امشب زود بخواب تا وقتی برای سحری صدات زدم، زود بیدار بشی. سجاد کوچولو شب زود خوابید تا صبح قبل از اذان بتونه بیدار بشه و سحری بخوره. مامان سجاد اونو برای سحری بیدار کرد و سجاد هم با خوشحالی از خواب بیدار شد.

سجاد بعد از خوردن سحری به همراه بابا برای خوندن نماز صبح به مسجد نزدیک خونه رفتن و بعدش کمی خوابید تا صبح بره مدرسه. صبح که بیدار شد یه کمی گرسنش شده بود. می خواست بره سر یخچال که یه چیز بخوره که یادش اومد روزه است. فوری در یخچال رو بست و رفت آماده بشه که بره مدرسه.

موقع خداحافظی، مامان بهش یک ساندویچ نون و پنیر سبزی داد و گفت: پسرم، این ساندویچ رو موقع ظهر بخور.

سجاد گفت: آخه روزه ام باطل می شه. مامانش گفت: عزیزم تو روزه کله گنجشکی بگیر. آخه تو هنوز خیلی کوچولویی و روزه بهت واجب نشده. سجاد از مامانش پرسید: روزه ی کله گنجشکی دیگه چیه؟ مامان جواب داد: روزه ی کله گنجشکی روزه ای هست که کوچکترا می گیرن و می تونن تا قبل اذان مغرب، بعضی وقت ها یه کمی غذا بخورن. آخه اونا هنوز کوچولو و ضعیفن.

سجاد از مامانش پرسید: پس کی روزه ی کامل به من واجب می شه؟ مامان جواب داد: هر وقت که به تکلیف برسی.

سن تکلیف برای دخترها و پسرها متفاوته. سن تکلیف دخترها هشت سال و

هشت ماه و بیست روز هست و سن تکلیف پسرها چهارده سال و

بچه های عزیزم، نظر خود را در مورد این تصویر برای ما
پیامک کنید.
به بهترین نظرات جوایزی تعلق خواهد گرفت



سامانه پیامکی:

۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۳

بعضی وقتها کاری ر
تا انجامش بدید ول

پسرم! نقاشی که از عمو ک
او! مثل اینکه تو بدنش



نمونه‌ای از

دودرک

از یک بزرگتر، معنی ک

آقا اجازه!! به ما دا
خیلی کمکاری می
بیشتر تلاش ک



کم کاری کردن، یعنی انجام ندادن بخشی از یک کار.
کم کاری نکنید....

الو مامان! گفتین شیرخشک بریزم توش،
بعد آب جوش بریزم روش، بعد تکونش بدم؟



1

درسته که کم کاری چیز خوبی نیست.
پرکاری زیادی هم خوب نیست. تعادل داشته باشید....

قرصای بابابزرگ رو دادی؟



همه رو دادم
خوردند!
خیال تون تخت!
تا دو سال دیگه
نیاز به قرص خوردن
ندارن دیگه!!

۱۲

و انجام ندید بهتره،
کم کاری کنید...

کشیدی، بیار عمو ببینه!
کم کاری کردی که!!

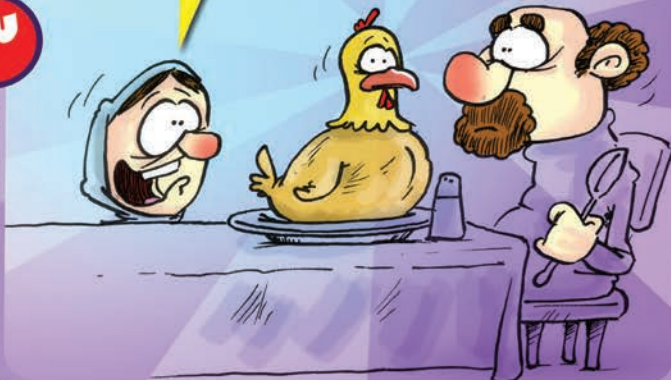
۲



کم کاری کردن، آدم رو به نتیجه مناسب نمی‌رسونه...

براتون ته چین مرغ درست کردم.
فقط فرصت نکردم زیاد روش وقت بذارم!!
نوش جان!!

۳



اگر اصرار دارید که کم کاری کنید
اقلاً از مغزتون هم یاری بگیرید...

بچهم می‌ره باشگاه قربونش برم!
فقط یه خورده واسه بقیه عضله‌هاش
کم کاری کرده گمونم!!

۴



کم کاری رو پیرسید...

دید هفت!
کنیدها!!
ننید!

۵



روستگار شدم



پدرم مدافع حرم است. او برای نجات زنان و بچه های محاصره شده در دو شهرک نُبُل و الزهرا سوریه، به آنجا رفته بود و در همانجا جانباز شد ولی برخی از دوستانش شهید شدند. من به پدرم افتخار می کنم حتی اگر مانند بقیه پدرها پا نداشته باشد.

پدرم همیشه برایم داستان های اهل بیت (علیهم السلام) را تعریف می کند. دیشب که شب شهادت امام علی (علیه السلام) بود پدرم برایم گفت: امام علی (علیه السلام) آن شب بارها و بارها به ستاره ها نگاه کرد و آهسته فرمود امشب همان شبی است که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) خبرش را به من داده بود.

نزدیک اذان صبح رسید و حضرت مثل همیشه برای نماز آماده شد. وارد حیاط شد. ولی مرغابی هایی که در حیاط خانه بودند بال های خود را باز کرده و جلوی حضرت را گرفتند. مرغابی ها جیغ می زدند. بالهایشان را بهم می زدند و جلوی پای امام (علیه السلام) می دویدند. کسانی که در خانه بودند سعی کردند مرغابی ها را بگیرند امام (علیه السلام) فرمود رهایشان کنید چون این ها عزا دارند.

سپس امام (علیه السلام) در خانه را باز کرد و راهی مسجد شد. ابن ملجم که تا صبح منتظر مانده بود نزدیک اذان به خواب رفته بود حضرت علی (علیه السلام) او را تکان داد و صدا زد: برای نماز برخیز.

سپس چند بار بلند فرمود: نماز، نماز، تا همه در صف های جماعت قرار گیرند. امام شروع به نماز کرد و فرمود: الله اکبر

ابن ملجم مضطرب و نگران به اطراف خود می نگریست و شمشیرش را هم چنان زیر لباسش پنهان نگه می داشت. منتظر فرصتی بود که نیت شومش را به انجام رساند وقت سجده شد. ابن ملجم با دیگران به سجده نرفت. وقتی همه برای سجده سر به زمین گذاشتند شمشیر زهر آلودش را بیرون کشید و به سرعت به سمت محراب دوید و با تمام قدرت، شمشیر را بر سر مبارک حضرت علی (علیه السلام) در حال سجده کوبید. محراب غرق در خون شد. صدایی به گوش می رسید که می گفت:

نامه کودک سرخ پوست

کمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی، دانش آموزان سرخ پوست مدرسه مرکزی «اسپرینگ دال» در ایالت آرکانزاس آمریکا، نامه ای برای امام خمینی می نویسند و با ارسال یک جفت جوراب به عنوان هدیه از طرف دانش آموزان مدرسه، از امام می خواهند که یک شی خود را هر چند یک جوراب کهنه باشد به عنوان یادگاری برای آنان ارسال کنند.

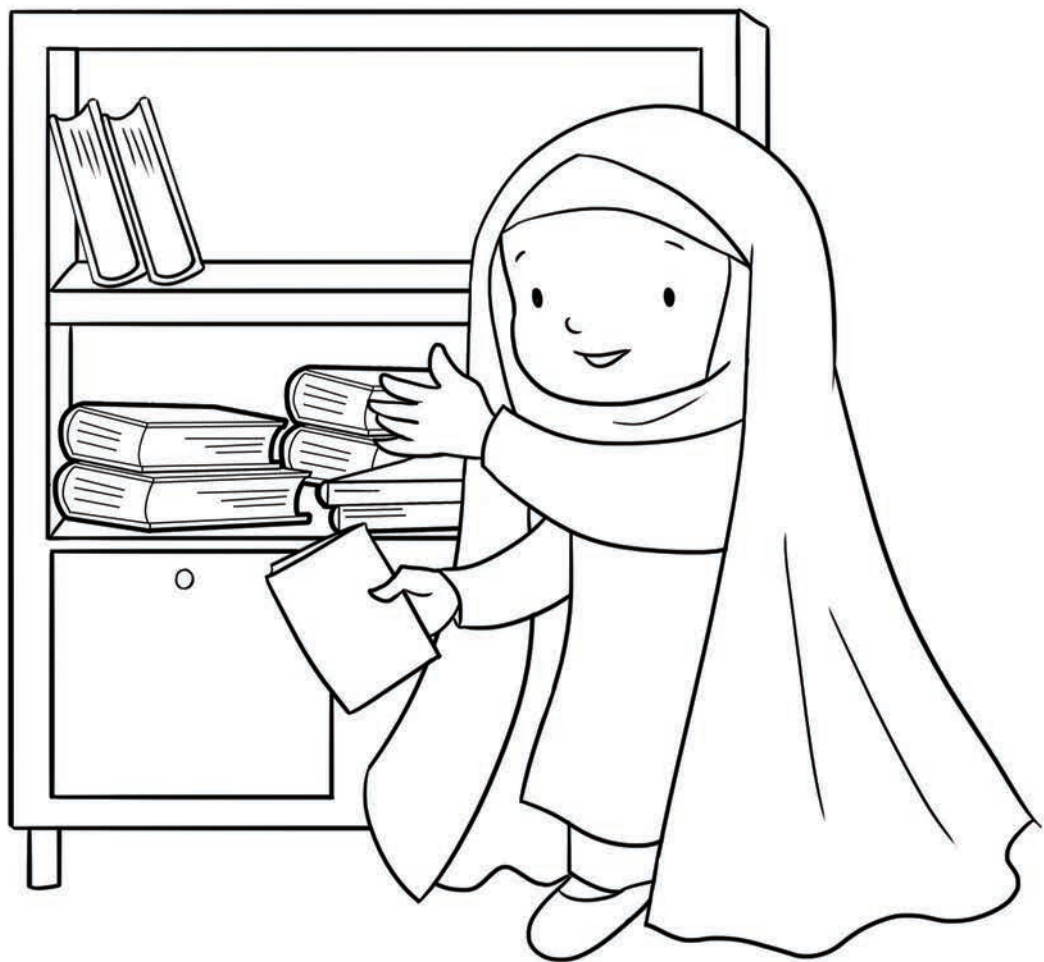
امام نامه ای پدرا نه برای آنان می نویسد که متنش اینطور است:

«بسم الله الرحمن الرحيم. فرزندان عزیز خوب دبیرستان اسپرینگ دال ایالت آرکانزاس آمریکا نامه محبت آمیز و هدیه ارزشمند شما عزیزان را دریافت نمودم. من می دانم که سرخ پوستان و سیاه پوستان در فشار و زحمت هستند. در تعلیمات اسلام فرق بین سفید و سرخ و سیاه نیست؛ آنچه انسانها را از یکدیگر امتیاز می دهد، تقوی و اخلاق نیکو و اعمال نیک است. از خداوند بزرگ می خواهم شما فرزندان عزیز را موفق کند و به راه راست هدایت فرماید. یک جزوه از کلمات نصیحت آموز پیمبر بزرگ اسلام را که برای کودکان ایران هدیه داده اند، برای شما عزیزان می فرستم و به شما دعای خیر می کنم. امید است در ارزشهای انسانی موفق باشید.

روح الله الموسوی الخمینی»



زنگ نقاشی





امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

هر کس ماه رمضان یک آیه از کتاب خدا را قرائت کند مثل
این است که در ماه های دیگر تمام قرآن را بخواند.

بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۴۶



کسوف و خسوف

پیامبر خدا حضرت محمد ﷺ فرزندی به نام ابراهیم داشت اما این فرزند در کودکی از دنیا رفت و در همان روزی که ابراهیم در گذشت، کسوف (خورشید گرفتگی) رخ داد. برخی گفتند: خورشید بخاطر مرگ ابراهیم گرفته است. پیامبر وقتی این سخن را شنید، بیرون آمد و پس از حمد الهی فرمود:

«خورشید و ماه دو نشانه از نشانه‌های الهی هستند و بخاطر مرگ یا زندگی هیچ کس نمی‌گیرند.»

ماه گرفتگی یا خسوف: هنگامی روی می‌دهد که کره ماه در حالت بدر قرار داشته و سایه زمین بر روی آن بیفتد. این اتفاق زمانی می‌افتد که زمین بین ماه و خورشید قرار گیرد.

خورشید گرفتگی یا کسوف: هنگامی رخ می‌دهد که سایه ماه بر بخشی از زمین بیفتد و در نتیجه در قسمت‌هایی از کره زمین، قرص ماه قسمتی از قرص خورشید یا تمامی آن را می‌پوشاند.



بچه های خوب مسجد سیدالشهدا علیه السلام شهر کدکن



تصاویر بچه های مسجد خود را

برای ما ارسال کنید تا

در نشریه بچه های مسجد چاپ
کنیم

پیام رسان سروش: @masjed_k_h

حضرت نوح علیہ السلام

حضرت نوح



در روزگارهای قدیم مردمانی زندگی می کردند که به جای پرستش خدا، بت پرست بودند. یعنی از سنگ و گل و چوب مجسمه هایی درست می کردند و آن ها را عبادت می کردند.

خداوند مهربان برای هدایت این مردم گمراه، یکی از بندگان پاک خود به نام حضرت نوح علیه السلام را به سوی آن ها فرستاد اما این مردم بدکار به جای گوش دادن به سخنان ایشان، او را مسخره می کردند.

حضرت نوح علیه السلام مردم را نصیحت می کردند و آن ها را از پرستش بت نهی می کردند. ایشان می فرمودند خداوند مهربان، خالق همه انسان ها است و بت ها از خودشان هیچ اختیاری ندارند. بت ها سنگ ها و چوب های بی جان و بی حرکتی هستند که نمی توانند حتی یک پشه را بیافرینند. اما مردم به این سخنان گوش نمی دادند و مدام حضرت نوح علیه السلام را مورد تمسخر قرار می دادند. حضرت نوح علیه السلام مردم را از خشم خدا و آمدن عذاب می ترساندند اما مردم به این سخنان توجه نمی کردند.

خداوند مهربان به حضرت نوح عمری طولانی داد. ایشان سالیان درازی مردم را به راه راست هدایت کردند اما تنها عده بسیار اندکی به ایشان ایمان آوردند.

خداوند به حضرت نوح علیه السلام وحی کرد که کشتی بزرگی بسازد. حضرت نیز به فرمان خداوند گوش دادند و مدتی طولانی برای ساخت این کشتی زحمت کشیدند اما آن مردم بُت پرست به ایشان و یارانشان طعنه می زدند که اینجا آبی برای به حرکت در آوردن این کشتی بزرگ وجود ندارد. اما حضرت نوح علیه السلام می فرمودند زمانی که عذاب خداوند برسد هیچ کس نجات نخواهد یافت. سرانجام ساختن کشتی پایان یافت و خداوند به حضرت نوح علیه السلام دستور داد که از هر حیوانی یک جفت انتخاب کند و آن ها را سوار کشتی کند. پس از انجام این فرمان، باران شدیدی شروع به باریدن کرد و آب نیز از زمین جوشید و در زمان کوتاهی همه جا را آب فرا گرفت. پسر حضرت نوح علیه السلام از دیدن این باران شدید خواست به یکی از کوه های مرتفع پناه ببرد. حضرت نوح از بالای کشتی او را صدا زد و فرمود: پسر، سوار کشتی شو و به خدا ایمان بیاور. پسر حضرت نوح علیه السلام به حرف پدر گوش نداد و غرق شد. و اینطور شد که خداوند اهلای کشتی را نجات داد و گناهکاران را غرق کرد

آیا می دانید؟

آیا می دانید دانشمندان حدس می زنند که بر روی کره زمین بیش از یک میلیون حیوان مختلف زندگی کرده و بسیاری از حیوانات که شاید بیش از تعداد حیوانات شناخته شده باشند هنوز کشف نشده اند. در بین همه موجودات انسان برترین موجود است چون می تواند درس بخواند و با سواد شود و بر همه حیوانات و حتی کرات آسمانی دیگر مسلط شود.



با اینکه میمون ها حیوانات باهوشی اند اما تفاوت میان جسم و هوش انسان با میمون از زمین تا آسمان است و این حیوانات هیچ وقت نمی توانند به هوش و دانایی انسان برسند.

خداوند مهربان هر حیوانی را متفاوت از حیوان دیگر آفریده و اینکه برخی گمان کرده اند میمون ها در طول قرن ها تبدیل به انسان شدند غلط است

میمون ها می توانند اعداد نوشته شده را بفهمند و حتی می توانند شمارش کنند، آنها همچنین می توانند کمی از ریاضی را یاد بگیرند و درک کنند. حتی در مواردی نادر ضرب هم کنند. اما هوش آنها خیلی از هوش و دانایی یک کودک دو ساله انسان کمتر است.

درخت با برکت

در قرآن کریم، شش بار به «زیتون» اشاره شده است. حتی خداوند مهربان به زیتون قسم خورده است و این نشان دهنده اهمیت بالای این درخت می باشد.

درخت زیتون درختی همیشه سبز است و از روغن میوه و هسته آن می توان در صنایع غذایی، دارویی، آرایشی و بهداشتی استفاده نمود. این درخت با برکت تا دوهزار سال نیز می تواند عمر نماید. لفظ «مبارکه» در میان انواع میوه هایی که در قرآن ذکر شده، فقط به درخت زیتون نسبت داده شده و بیانگر آن است که همه اجزای درخت، با برکت و سودمند بوده و این گیاه از ارزش والایی برخوردار است.





فرم اشتراک نشریه «بچه های مسجد»

فرزندان دلبندم، این فرم را با کمک بزرگ ترها پُر کنید
و به امام جماعت مسجد تحویل نمائید.

نام:..... نام خانوادگی:..... تاریخ تولد:.....

نشانی:.....

کد پستی:..... تلفن:.....

نام مسجد:..... نام و نام خانوادگی امام

جماعت مسجد:.....

امام جماعت محترم؛ لطفا این فرم را به همراه دیگر فرم های

اشتراک بچه های مسجد خود به مرکز رسیدگی به امور

مساجد خراسان تحویل نمائید.

- ۱- نام فرزند پیامبر ﷺ که در کودکی از دنیا رفت؟
- ۲- سن تکلیف برای دختر ها هشت سال و ماه و بیست روز است.
- ۳- از نظر اسلام چه چیزی موجب تفاوت و برتری انسان ها است؟
- ۴- قرائت چند آیه در ماه رمضان برابر با قرائت تمام قرآن در دیگر ماه هاست؟
- ۵- امام علی ع هنگام ضربت خوردن به خدای قسم خوردند.

		۴			۳		۱
							۲
							۳
							۴
							۵

رمز جدول
شماره ۳۶:
طه

رمز
جدول را به همراه نام، نام
خانوادگی، مسجد و شهرستان
برای ما ارسال کنید:
۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۳

اسامی برندگان:

۱. معصومه صبوحي، مسجد چهارده معصوم ع، شهرستان مشهد؛
۲. امیرمهدی ذاکری، مسجد امیرالمؤمنین ع، شهرستان سبزوار؛
۳. عرشیا صادقی، مسجد امام رضا ع، مشهد مقدس؛
۴. معین مرادی، صاحب الزمان ع، مشهد مقدس؛
۵. ریحانه رجب زاده، مسجد شهرک سیمان، شهرستان قائن؛
۶. سبحان عطایی، مسجد حضرت ابوالفضل ع، مشهد مقدس؛
۷. مهدی آبرود، مسجد جامع، شهرستان گناباد؛
۸. حمید ثریان، مسجد امام حسن مجتبی ع، مشهد مقدس.

بدخرچی

این چه مرضی است که عده‌ای اصرار دارند پولشان را بریزند در جیب کمپانی خارجی؟ یک وقت جنس ایرانی مشابه نداریم، خب بله، بحثی نیست؛ [اما وقتی] مشابه جنسی در داخل هست، چرا بایستی یک عده‌ای اصرار داشته باشند که حتماً بروند جنس و فلان مارک خارجی و مانند این‌ها را مصرف کنند؟ این چه مرض و بدفهمی و کج فهمی‌ای است؟ تصمیم بگیریم کالای ایرانی مصرف کنیم.

نوبتوز | ۱۳۹۷/۲/۱۰
رهبرانقلاب



نشریه بچه‌های مسجد، ماهنامه‌ای برای کودکان و نوجوانان عزیز است که توسط مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان در بین بچه‌های مسجدی توزیع می‌گردد. شما خواننده گرامی می‌توانید پیشنهادات و انتقادات خویش را به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۰۳ ارسال نمایید.